

معلم به یادگار ماندنی ترین واژه علم آموزی است که نام او برای همیشه با دیروز و امروز و فردای اهل خرد و اندیشه همواره است، چرا که اساس عالم هستی بر تربیت انسان قرار دارد و معلم استوارترین مری برای هدایت انسانهاست.

معلمی هنر است و هنر نیز تنها به سراغ محدودی از افراد شایسته می رود تا آنها را جذب خرد سازد. ولی متأسفانه امروزه در معرّفی صحیح ارزش و مقام معلم مشکلات فراوانی ایجاد شده و به نوعی باید اذعان کرد که واژه مقدس معلم چند سالی است که اسیر تعریف شده است.

در جامعه امروز مطبوعات و رسانهها به عنوان ترجمان جامعه، هرگاه قصد حمایت از معلم را داشته باشند، او را موجود فقیر و ضعیف و نیازمند معرفی می کنند؛ که نه تنها چیزی بر مقام معلم نمی افزایند و سودی عاید آنها نمی سازند، که از مقام معنوی و ارزش معلم بخصوص تئودا دانش آموزان نیز می کاهند.

در چنین حالتی، تبلیغات غلط در راستای حمایت ناآگاهانه، باعث شده است که امروزه کمتر دانش آموزی چون گذشته آرزوی شغل معلمی کند و در رده بندی مشاغل آمده آل دانش آموزان به عنوان آموزگار نسل آینده، متأسفانه معلمی رده های بسیار پائینی را به خود اختصاص داده است.

آهایی که دو دوران میان سالی هستند خوب می دانند که در گذشته ای نه چندان دور که مکتب و مدرسه ورد زبان هر عاقل سواد و علم بود، معلم مفهوم بسیار پارزشتری داشت و دانش آموزان و اولیاء، معلم را در حاله ای از احترام و قدر در میان می گرفتند و در چنین حالتی دانش آموز بخاطر قداسی که برای معلم خوش نائل بود، حرفهایش را به جان می خرید و برای همیشه در ذهن حفظ می کرد. ولی امروز بعضی از چنین آرمانهایی رنگ باخته اند که خرد بساعت تضعیف آورش معسوی معلم می شود.

بهر حال امروز نیز همانند هر دوازده اردی بهشتی روز معلم خواننده می شود، اما همچون همیشه در مکتوبات ما ارزش معنوی معلم بیشتر از سطح آن در جامعه برده است، چرا که در نوع برخوردها و نگاه محترمانه اولیاء و دانش آموزان به نقش زمشکشی که به تعبیر امام (ره) انسان امانت اوست، هنوز آن صداقت و صمیمیتی که لازمه نگاه جامعه به معلمان باشد، دیده نمی شود و بعضاً از سطح آنها نیز کاسته شده است.

دقیقاً بعضی از مصطلحات است که امروز به مسائل آموزشی و تربیتی مدارس آسیب می رساند و تأثیر مستقیم چنین آسیبی نیز در مرحله اول نصیب خرد دانش آموزان به عنوان آینده سازان جامعه می شود.

با چنین افکاری برای شنیدن نظرات معلمان درباره ویژگیهای معلم و دانش آموز و در نهایت آموزش و پرورش موفق به میان آنها رفته ام که در این میان خانم مسزادی معلم دبستان درباره ارزشهای معنی معلم می گوید: وقتی که در ساره آورش معنوی معلم صحبت می شود فقط ذکر خصوصیت های اخلاقی و رأفت و مهربانی نسبت به دانش آموزان نباید ملاک باشد، این بخش تنها یک جنبه از ویژگیهای معلمان خوب و موفق را دربر می گیرد.

وی می افزاید: به نظر بنده هجرتانکه دانش آموزان در قبایل معلمان وظیفه دارند تا درسها و تکالیف خودشان را به بهترین نحو انجام دهند و آنها را برای معلم بیاورند، در مقابل معلم نیز موظف است خود را وقف کلاس کند و آنه تعمیدی که سپرده است. آنرا به بهترین شکل به اجرا درآورد.

خانم مرادی گفت: ما معلمان باید خود را با منافع آموزشی روز آشنا سازیم و کلاس را برای دانش آموزان به صحنه رقابت برای آموختن درآوریم و خود نیز هر روزی که بر عمر معلمی مان می گذرد به آموختن زوایای پنهان آموزش بیشتر پی بریم.

وی گفت: همکاران ما نباید معلمی را تنها منبع درآمد خود بدانند و بهترین داشته باشند دانش آموزانی را که ما امروز تربیت می کنیم، شاید روزی اینها معلمان قزقرندان و سروه های ما باشند، آنوقت ما مجبور خواهیم بود خود را بخاطر قصور گذشته سرزنش کنیم.

آقای حسین رضوی دبیر و ناظم دبیرستان دو سازه آورش معنوی معلمان می گوید: آنچه امروز مشخص است این است که معلمان آن جایگاه گذشته خویشان را نزد دانش آموزان از دست داده اند و بسیار ی از دانش آموزان دیگر شایسته مدرسه نیستند بلکه بخاطر اقبال و فشار خانواده مجبورند خودشان را در میان دانش آموزان و کلاسهای درس نگه دارند و بعضاً هم درس بخوانند و از سر نیاز مدرگی بگیرند!

وی گفت: بنده علاوه بر اینکه تدریس می کنم وظیفه ناظم را هم بر عهده دارم و بخاطر قوانین دست و پاگیری که منطقه آموزش و پرورش تدریس می کند و اجرای آنرا نیز از ما می خواهد، دانش آموزان این فشارها را از

جانب ما می بینند و فکر می کنند ما ناظم ها انسانهای خشن و بی رحمی هستیم در حالیکه در دل به چنین برخوردی های اعتقاد نداریم.

آقای وحسی می افزاید: من بسیاری از دانش آموزانی را که دبیرم می شناسم اما آنها چهره خود را با دوران دانش آموزی بسیار عوض کرده اند و مدرسه را قفسی برای خود می دانستند که امروز نمی خواهند خردشان را به ما برسانند و از ما می گیرند.

همچنین خانم رحمتی معلم مدرسه راهنمایی تخصصی در این باره می گوید: امروز وضعیت دنیا با گذشته بسیار فرق کرده و به همان نسبت وظیفه معلمان نیز بسیار مشکل تر از گذشته شده است.

وی افزود: آفت تساهل فرزندگی امروز بزرگترین خطری است که دانش آموزان بخصوص دو دوران راهنمایی را تهدید می کند و در حالیکه آنها به شن بلوغ می رسند. در این دوران معلمان به عنوان انسانهایی که در خود نشانی از اولیاء و بزرگان دارند، نقش بسیار با ارزشی می توانند در تربیت صحیح آنها ایفا کنند.

خانم رحمتی معتقد است: متأسفانه انتخابهایی که ما به دانش آموزان می کنیم یا آنچه که دانش آموزان در خانه می شنوند بسیار متفاوت است و دانش آموز در این میان در می ماند که حرف پدر و مادر صحیح است یا معلم و مدیر مدرسه؟

وی با ذکر مثالی از وجود تناقض بین گفته های اولیاء و مربیان می افزاید: در ماه رمضان سال گذشته یکی از دانش آموزان سال سوم که هیکلی درشت نیز داشت با گریه به نزد من آمد و از پسو خود گلشنه پرسد. آن دانش آموز که واقعا دوست داشت همانند سایر همسن و سالان خود روزه باشد و معنویت خاصی در وجودش موج می زد به من گفت: شب پیش پدرم در منزل برای روزه گرفتن بر سرم فریاد کشید و گفت که معاملات مغزت را شستو داده اند!

این معلم می افزاید: اگر چه آن دانش آموز از ما کسک می خواست ولی تا مانده بروم که با وجود چنین تفکرات متخالف نسبت به اعتقادات، در برخی از خانواده ها، چگونه می توانیم نسل آینده خود را به بهترین شیوه با تعلیمات اسلامی آشنا کنیم.

آقای جابری دبیر ریاضیات در یک مدرسه غیرانتظامی منطقه ۷ درباره ویژگیهای آورش معلم در عصر کنونی می گوید: در تسدیم معروف بود که معلم ناوبرگذار خوبی برای دانش آموز هست، این حرفی بود که در گذشته

بسیاری از خانواده ها در خردشال می کرد. ولی من می گویم الان آن نقش مهم را تلویزیون از معلمان گرفته است.

وی با ناصبیدی می پرسد: وقتی که دانش آموز دو کلاس درس عملاً در دهان خود آدماس می گذارد و همزمان با اعتراض معلم هم مراه می شود، به نظر شما در جواب گفته باشد خوب است؟

آقای جابری با اظهار تأسف از این تأسیروید می پرسی دانش آموزان می گوید: تجربه دانش آموز نادان بسیار مایه تأسف من شده است. دانش آموز معتقد بود در کلاس ریاضی اضطراب دارد و میخاطر اینکه راست باشد و اضطراب را از خود دور کند همانند قم تبالستها در کلاس آدماس می چرد؟

این معلم زده مند می گوید: نمی دانم چرا دانش آموزان جنبه های مثبت تلویزیون پریشان بر آورش شده است، از تلویزیون هر چیزی را که خود می خواهند جذب می کنند، آنوقت کلاس درس را با زمین فوتبال یکسان می بینند.

وی معتقد است: به نظر من ما در بسیاری موارد ضربات خود را از رسانه ها می خوریم، و بعضاً در طول سالی مشاهده می کنیم که فکر و ذکر پهمها فلان نیم، سبال و یا مسابقه فوتبال است که چنین عالتی صدمات شدیدی به آورش های اصلی درس، کلاس و معلم وارد می سازند و به نظر بنده راه دورانی هم وجود ندارد و ما معلمان تنها مجبوریم خردمان را با چنین واقعه های تلخی هسانگ کنیم.

همیدرضا رزمجو دانش آموز سال سوم دبیرستان نیز دوباره وضوحیت ارزشی معلم و دانش آموز می گوید: الان بسیاری از معلمان بسین دانش آموزان تفاوت تسایل می شنوند و یا کوجهکترین حرکاتی که از سوی دانش آموزان سر یزند، عصبانی می شوند و دانش آموزان را به بلا کتک می گیرند.

وی می گوید: خدا شاهد است من به معلمان بسیار علاقه مند پروردم اما وقتی که نمی بینم دانش آموزی با دروغ خودش را نزد معلم خوب جلوه می دهد و پشت سرش هزار بار نسبت به او بی احترامی می کند ولی باز معلم فکر می کند که از دانش آموز خوبی است و نسبت به او احترام می گذارد، از چنین معلمی مستنفر می شوم که نمی تراند دانش آموزان خودش را بخوبی بشناسد.

وی افزود: بعضی از معلمها دانش آموزان را حسود و عقده های تربیت می کنند و یا نگاههای تحقیر آمیز خود نسبت به بعضی از

دانش آموزان، آنها را حقور و پست معرفی می سازند، دو حالیکه اگر معلم مرفلی بودند، دانش آموزانی را که واقعا خلافتکار هستند، آنها را باید تشبیه و مجازات کرد.

وی می گوید: یکی از علت های که دانش آموزان نسبت به بعضی از درسها بی تفاوت می شوند همین نوع برخورد معلمان است که دانش آموزان از هر چه درس و مدرسه و معلم بیزار می شوند.

وی در خاتمه می گوید: به نظر من اگر روزی بخوانیم همه دانش آموزان اعتماد به نفس داشته باشند، معلمان باید به آنها احترام بگذارند و آنها را پهمخوان فرزندان خودشان بدانند تا روزی که دانش آموزان وقتی که با



معلمان برخورد می‌کنند نزد آنها  
پیوند و نسبت به آنها ابراز  
وفاداری نمایند.

آقای عبدالرضا رسولی معلم  
در پاسخ به این سؤال که چه  
چیزی از لحاظ ارزشی معلم را  
قانع می‌سازد می‌گوید: به نظر  
بنده تنها احترام دانش‌آموزان و

اولیاء و همچنین درس خواندن  
دانش‌آموزان بهترین چیزی است  
که می‌تواند پاسخی به زحمات  
معلمان باشد.

وی می‌افزاید: همچنانکه  
معلمین خودشان را برای  
دانش‌آموزان فدا می‌کنند و  
سلامتی و عمر خود را صرف  
کلاسهای درس و مدرسه  
می‌سازند، سزاوار است اولیاء  
دانش‌آموزان نیز از زحمات  
بی‌شائبه معلمان قدرشناسی کنند.  
آقای رسولی معتقد است:  
متأسفانه بعضی از اولیاء مدرسه را  
با مهد کودک اشتباه گرفته‌اند  
و مدرسه را جایی می‌دانند که آنها  
را از شر بچه‌هایشان در امان نگه  
می‌دارد و در طول سال نیز هیچ  
دغدغتی به سرکشی از وضعیت  
دانش‌آموز خود و سپاسگزاری از  
زحمات معلمان پروژ نمی‌دهند.

وی گفت: مدرسه و  
دانش‌آموز و اولیاء یک مثلث  
کامل تربیتی هستند و اگر تنگی  
در هر یک از این سه محور ایجاد  
شود وضعیت تربیتی و آموزشی  
دانش‌آموزان دچار مشکل می‌شود  
که جبران آن هم در جرائی بسیار  
مشکل و غیرممکن است.

بهر ترتیب دانش‌آموز، معلم  
و آموزش و پرورش امروز  
نیازمند بازنگری دو نمره عملکرد  
خوبش هستند تا با پرورش تملی  
مرفق و ممتاز، آینده را به شیوه‌ای  
بهرتر از امروز بازسازی کنیم.